

شرح رساله حقوق امام سجاد (علیه السلام)

حجت الاسلام والمسلمین استاد حاج علی اکبری



حق البصر

جلسه پنجم

۱۳۹۳/۰۵/۵

فهرست

- بهترین درخواست در پایان ماه مبارک رمضان
- دشواری جدا شدن از ماه مبارک رمضان
- دو نگاه حرام

۱. نگاه شهوت آمیز

۲. نگاه به نامحرم

- مسئله‌ی حجاب
- نگاه دینی و تضاد آن با نگاه غربی
- فواید حفظ حجاب

۱. افزایش سطح سلامت جامعه

۲. حفظ خانواده

- هنرمندانه ترین رابطه
- اهمیت حفظ حجاب

۱. نگاه به حریم خصوص دیگران

۲. نگاه ضرری

- نگاه‌های مکروه



۱. نگاه‌های اضافی

۲. نگاه حسرت

۳. نگاه غفلت زا

۴. نگاه‌هایی که تولید قساوت می‌کند

• یک توصیه‌ی رمضانی

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

بهترین درخواست در پایان ماه مبارک رمضان

پیشاپیش عید سعید فطر را تبریک عرض می‌کنم و امیدوارم حقیقتاً برای همگان عید باشد، همراه با دریافت پاداش‌های الهی به خاطر یک ماه رعایت ادب و انجام مراسم بندگی در ماه مبارک رمضان. در این فرصت‌های پایانی ماه مبارک رمضان و در ساعاتی که باقیمانده، امیدوارم ان‌شاءالله خداوند تبارک و تعالی از عنایات ویژه خودش، عزیزان ما را بهره‌مند کند. شاید بهترین درخواست شخصی در ساعات پایانی ماه مبارک رمضان، طلب بهره‌مندی کامل از عفو و مغفرت الهی باشد و بهترین درخواست جمعی، ظهور موفور السُّرور حضرت بقیت اللهِ الْأَعْظَم (عَجَّلَ اللهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِیْف) و تعجیل در فرج آن حضرت باشد.

دشواری جدا شدن از ماه مبارک رمضان

نکته‌ی دیگری که خوب است در مطلع بحث به آن اشاره‌ای داشته باشم، جدا شدن از ماه مبارک رمضان است که برای کسانی که توانستند با زیبایی‌های این ماه از سحرش، از افطارش، از تلاوتش، از مناجاتش، از احسانش، از سفره‌های افطاری برای ایتماش

اُنس بگیرند، واقعاً سخت است. کسانی که توانستند به سیره‌ی امیرالمؤمنین (عَلَيْهِ السَّلَام) در رسیدگی به نیازمندان و ایتم عمل کنند، جدا شدن از این ماه برایشان خیلی دشوار است.

امام سَجَّاد (عَلَيْهِ السَّلَام) در فرازهای پایانی دعایی که به ماه مبارک رمضان مربوط است، از خدای متعال می‌خواهد که در همه‌ی سال همین حالت را داشته باشند. یعنی از خداوند می‌خواهند که توفیق یابند بقیه سالشان رنگ و بوی ماه رمضان داشته باشد و نشانه‌های ماه رمضان را در تمام سال همراه خودشان داشته باشند.

امیدوارم خدای متعال توفیق پاسداشت و نگهداری و نگهداری و مراقبت از این دستاوردهای بسیار عظیم را به همه‌ی ما کرامت کند؛ ان شاء الله.

دو نگاه حرام

۱. نگاه شهوت‌آمیز

تعبیر رساله‌ی حقوق امام سَجَّاد (عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ السَّلَام) در بیان «حَقُّ الْبَصَرِ» این بود: «غَضُّهُ عَمَّا لَا يَحِلُّ لَكَ وَ تَرْكُ ابْتِدَالِهِ» مسئله‌ی مهم این است که انسان بتواند چشمان خود را از آنچه که خدای متعال ممنوع کرده، مراقبت و حفاظت بکند. در فهرست آنچه که دیدنش ممنوع است، دو نکته را جلسه‌ی گذشته عرض کردم. یک قالب عام و

عنوان عمومی داشتیم که عبارت بود از نگاه شهوت‌انگیز و نگاه آمیخته به شهوت که شامل نگاه به هر شخص و هر چیزی می‌شد و فقط یک استثنا داشت که به روابط داخلی بین همسران مربوط می‌شد و در سایر موارد، این نگاه‌ها به صورت قاعده‌ی عمومی حرام است. محرم و نامحرم، هم‌جنس و ناهم‌جنس، اشیاء، تصاویر، تصویر زنده، تصویر غیر زنده و...، هیچ فرقی در این بخش نمی‌کند و دیدن همه‌ی آنها در صورتی که همراه با شهوت باشد، حرام است. معلوم می‌شود تحریک از طریق چشمان خیلی سریع و عمیق انجام می‌شود و با ملاحظه‌ی اینکه تصویرها در خاطر ثبت می‌شود، امکان خیال‌پردازی‌های عجیب و غریب در آن وجود دارد و می‌تواند سلامت روان و دین و ایمان انسان را به مخاطره بیندازد. این مطلب اول است که حرمت قطعی و فراگیر دارد.

۲. نگاه به نامحرم

نکته‌ی دوم نگاه به نامحرم است. در تقسیم فوق‌العاده‌ای که در نگاه دینی و در نظم دینی و وحیانی شده، افراد به محرم و نامحرم تقسیم می‌شوند. نگاه به نامحرم حریم‌دار تلقی شده و در اینجا دیگر بحث ریبه و شهوت و غیر شهوت در کار نیست؛ البته چنانچه نگاه از روی شهوت باشد، طبق قاعده‌ی عمومی که در نکته‌ی اول عرض کردم، حرام است.

در این بحث اساساً حریم شخصیت انسان مطرح است؛ یعنی خدای متعال برای انسان به مناسبت انسان بودنش یک حرمت و کرامت و شخصیتی قائل است که باید در یک پرده و پوشش خاصی قرار بگیرد؛ مرد متناسب با خودش و زن نیز متناسب با خودش. تعریف رابطه‌ی محرم و نامحرم بین مردان و زنان، علاوه بر حفظ شخصیت انسان، موجب حفاظت و نگهداری کیان خانواده شود.

مسئله‌ی حجاب

ملاحظه‌ی زیبایی اینجا وجود دارد و آن عبارت است از مسئله‌ی حجاب؛ یعنی هر جا که سخن از این می‌شود که: «قُلْ لِّلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ» [۱] مردها مؤمن را بگوی که چشم‌های خود را فرو گذارند و نظر خود را پایین بیندازند» و «قُلْ لِّلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ» [۲] زن‌های مؤمن را بگوی که چشم‌های خود را فرو گذارند و نظر خود را پایین بیندازند» بلافاصله می‌فرماید: «يَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ» [۳] دامان خود را حفظ کنند» و «يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ» [۴] دامان خویش را حفظ کنند».

پس انسان مؤمن، چه زن و چه مرد، باید نگاه خود را کنترل کند. ضمن اینکه باید از شخصیت خودش حفاظت هم داشته باشد؛ یعنی اگر از سویی نگاه نامناسبی انجام می‌شود، حریم شخصیتی خود را حفاظت کند. در این بخش بحث پوشش و حجاب مطرح می‌شود که متأسفانه به آن مبتلا هستیم. ما هم در مسئله‌ی نگاه‌ها یک مقدار

ابتلا داریم که ان شاء الله از رهگذر ماه مبارک رمضان، نگاه‌های ما مؤدّب، خاضع، خاشع، فروتن و همراه با رعایت ادب بندگی شود و هم در مسئله‌ی پوشش با مشکل مواجه هستیم.

نگاه دینی و تضاد آن با نگاه غربی

نگاه باید آینده از حیا باشد. متأسفانه در روش زندگی که از آن سوی مرزها می‌آید و ربطی به ما ندارد، حتی در معاشرت‌های عادی در مورد نوع نگاه، آموزش‌هایی داده می‌شود که با فرهنگ اسلامی ما در تضاد است. مثلاً برای اینکه انسان شخصیتی سرزنده، با نشاط، و به تعبیر خودمان سرحال داشته باشد و به تعبیر آنها یک آدم اکتیو و فعال باشد، می‌گویند تو باید دائماً چشم بچرخانی، چشم بچرانی و به مخاطبت خیره خیره نگاه کنی. برای آنها زن و مرد و بحث محرم یا نامحرم اصلاً اهمیتی ندارد. به خانم‌ها یاد می‌دهند که هنگام صحبت با آقایان، به آنها خیره خیره و در چشم‌شان نگاه کنند، با آنها حرف بزنند، فعال به صحبتشان گوش بدهند و فعال ارتباط برقرار کنند. به کسانی که می‌خواهند در شرکت‌ها و ادارات نیز مشغول یک شغل سخیف و دم‌دستی بشوند - و در حقیقت به یک عنصر بازارگرمی تبدیل شوند - این آموزش‌ها را می‌دهند. بر اثر این آموزش‌ها ما با رفتارهایی در جامعه مواجه می‌شویم که هیچ ربطی به فرهنگ ما ندارد. ذات فرهنگ ایرانی با حیا آمیخته است و مشرف به شرف

فرهنگ اسلام شده که اوج تکامل همه‌ی فرهنگ‌ها است. نگاه باید پرده داشته باشد، و لطیف و آمیخته‌ی با حیا باشد.

در سمت مقابل، با مسئله‌ی تبرّج مواجه هستیم. مشخص نیست چرا بعضی از ماها این موارد را می‌پذیریم؟ این سؤال، سؤال جدی است: چرا فرهنگ منحط غرب را به آسانی می‌پذیریم؟ از تبعات این فرهنگ، آشکارسازی اندام بدن است. در بین خانم‌های ما و از جمله در بین آقایان، یک‌جور آشکارسازی بخش‌های پنهانی و درونی بدن و شخصیت رواج یافته است. چه می‌کنیم و به کجا می‌رویم؟ این چه روشی است که در پیش گرفته‌ایم؟ این مسائل به فرهنگ ما ربطی ندارد؛ زیرا خارج از حیا است، و چنانچه حیا آسیب ببیند، همه‌چیز در معرض آسیب است. بنا بر روایات، اگر حیا در انسان از بین برود، ایمان نیز به دنبال آن رخت برمی‌بندد و برای شخص ایمانی باقی نمی‌ماند. [۵]

باید این بی‌پروایی‌ها به عنایت الهی و با همت همگانی، کمتر شود. امسال سال عزم ملی در حوزه‌ی فرهنگ نیز است. پدرها، مادرها، بچه‌ها، جوان‌ها، بزرگ‌ترها، کوچک‌ترها، خانم‌ها، آقایان، همه دست به دست هم بدهیم و سطح حیا را در جامعه بالا ببریم.

خوشبختانه در ماه مبارک رمضان رفتارهای اجتماعی ما ارتقا دارد و یک مقدار بیشتر رنگ دینی می‌گیرد. این را باید قدر دانست و حفظش کرد.

به هر حال، ما در بخش پوشش مبتلا هستیم و چیزهایی که هیچ ربطی به ما ندارد و نوع پوشش‌های زننده که بعضی‌هایش قطعاً حرام است، در جامعه در حال رواج و گسترش است. کسانی که با چنین پوشش‌هایی وارد صحنه‌ی اجتماعی می‌شوند، مرتکب حرام می‌شوند تا وقتی که به خانه برگردند.

آرایش‌های خارج از عرف نیز از معضلات جامعه ما شده است. در ارتباط با وجه و کفین (دست‌ها تا میچ)، تعابیر دینی بسیار لطیفی وارد شده است! اولاً، موها، بخش‌هایی از گردن و اطراف چهره نیز نباید مشخص باشد. بانوان مجازند که فقط گردی صورت خود را نپوشانند. این مقدار را هم که اجازه داده‌اند، به شرطی است که آرایش نداشته باشد؛ یعنی همین مقدار چهره یا حتی کفین نیز اگر آمیخته با آرایش باشد، باید پوشانده شوند. چنانچه کسی غفلت کرد و آنها را نپوشاند، مردان حق نگاه ندارند. اگر مردی احساس کرد خانمی آرایش کرده است، باید چشم‌هایش را فروپوشد و سرش را پایین بیندازد.

فواید حفظ حجاب

۱. افزایش سطح سلامت جامعه

اینها احتیاط‌های دقیقی است که در سبک زندگی دینی لحاظ شده است. جمع‌بندی‌اش چه می‌شود؟ جمع‌بندی‌اش دو نکته است. یک، اگر این رعایت اتفاق بیفتد، سطح سلامت و بهداشت روانی افراد جامعه‌ی ما، افزایش می‌یابد. همین یک نکته چقدر قیمتی است؟! ما با یک رعایت - آن هم رعایت نه چندان دشوار - دستاورد بزرگی را کسب می‌کنیم. اگر کسی به آن مبتلا شود، عدم رعایت او را به دردسر می‌اندازد؛ زیرا خانمی که مرتب به خودش برسد، صدجور خرج روی دست خود و شوهر و زندگی‌اش می‌گذارد و از آن مهم‌تر، عمرش تلف می‌شود. یک آراستگی متین مناسب خرج زندگی را کاهش می‌دهد و علاوه بر آن، بانوان با شخصیت و وقار وارد صحنه‌ی جامعه می‌شوند. مردم هم می‌فهمند خانه یعنی چه، کوچه یعنی چه، بازار یعنی چه، محیط اداره یعنی چه و آنها را با هم خلط نمی‌کنند.

پس نکته‌ی اول این است که اگر حجاب را رعایت کنیم - خواهش می‌کنم روی این جمله دقت شود - سطح بهداشت و سلامت روان و روح و فکر جامعه افزایش پیدا می‌کند. کافی است ما همین یک ملاحظه و مراقبت الهی را در زندگی مان داشته باشیم تا سلامت جامعه تا حد زیادی تضمین شود.

۲. حفظ خانواده

متناسب با این نکته و در کنار همین مسئله، یک اتفاق دومی هم می‌افتد. اتفاق دوم حفظ خانواده است. هرچه سطح حیا در جامعه کاهش پیدا کند، عفت آسیب می‌بیند و به همان نسبت، خانواده آسیب می‌بیند. به این ترتیب، اولین ضربه این آسیب، در محیط روابط بین همسران اتفاق می‌افتد. بیوستش، بچه‌ها محرومیت پیدا می‌کنند. کیان خانواده که آسیب ببیند، ما همه چیزمان را از دست می‌دهیم؛ زیرا خانواده سلول اصلی سازمان‌دهنده‌ی جامعه است.

این حرف‌ها، برای جامعه‌ی ما بسیار حیاتی و مهم است. بعضی‌ها احساس و تلقی نکنند که یک مطلب ساده و سلیقه‌ای است. اصلاً بحث سلیقه در کار نیست که عده‌ای بگویند بعضی‌ها سلیقه‌شان این طوری است و برخی به گونه دیگری است. اگر بنا به سلیقه باشد، مؤمن از همه باسلیقه‌تر و رابطه‌ی ایمانی از همه‌ی رابطه‌ها هنرمندانه‌تر است.

هنرمندانه‌ترین رابطه

نکته دیگر آنکه پوشش مختص خانم‌ها نیست؛ منتها در مورد خانم‌ها تأکید آن بیشتر می‌شود. علت تأکیدش هم وجود لطافت و زیبایی است که خدای متعال در وجود آنها

به امانت گذاشته است. بانویی که آراسته و با رعایت حجاب شرعی وارد صحنه‌ی اجتماع می‌شود، هنرمندانه زندگی می‌کند. اوج رعایت هنر این است که طوری در جامعه حضور پیدا کنی که از رهگذر حضور تو، به ذهن و فکر و زندگی دیگران آسیبی وارد نشود. این یعنی زندگی مؤمنانه. یک بانوی مؤمن چنان هنرمندانه در صحنه‌ی اجتماع حاضر می‌شود که از رهگذر روابط اجتماعی او هیچ‌کس آسیب نمی‌بیند. این می‌شود یک رفتار هنرمندانه. نقطه‌ی مقابلش کسانی هستند که حجاب خود را رعایت نمی‌کنند که آدم‌های بی‌هنری هستند؛ زیرا در معرض آسیب قرار می‌گیرند. این افراد خیال نکنند فقط به دیگران آسیب می‌زنند. آسیب‌ها بر اساس قواعد الهی به صورت کمانه برمی‌گردد و ابتدا در زندگی خودشان تأثیر می‌گذارد. این را یقین داشته باشند. اگر کسی در این بخش کوتاهی کند، اولین فردی که لطمه‌اش را می‌خورد و تیر عملکردش به خانواده و حیات اجتماعی‌اش برمی‌گردد، خودش است.

اهمیت حفظ حجاب

پس رعایت حجاب دو نتیجه دارد: یک، حفاظت از سلامت روان، بهداشت روان، بهداشت فکر، بهداشت اندیشه که زمینه‌ای است برای طلوع شخصیت و رشد انسانیت. این اولین نتیجه‌ی رعایت نگاه و حریم نگاه و حریم پوشش است. نکته‌ی دوم صیانت از خانواده، جایگاه و عظمت و نقش آن است که باید یک فصل مفصلی درباره آن صحبت شود.

البته آثار آخرتی حفظ حجاب قابل گفتن نیست. این دو نکته، آثار اولیه دنیایی آن است و ده‌ها تأثیر در حوزه‌ی اجتماع و اقتصاد و چرخه‌ی عمومی فعالیت‌ها و رشد علمی و اجتماعی ما دارد که بحث جداگانه‌ای را می‌طلبد. آثار آخرتی این مسئله نیز قابل گفتن نیست.

در طرف مقابل، عدم رعایت‌ها زندگی ابدی را در قبر و برزخ و قیامت، در معرض مخاطرات عظیمی قرار می‌دهد که قابل توصیف نیست، و مگر می‌شود مقایسه کرد اختلال‌ها و آسیب‌های آخرتی را با آسیب‌های دنیایی؟ چه کسی می‌تواند مقایسه کند؟ مگر می‌شود دنیا و آخرت را از این جهت در کنار هم قرار داد؟ یک زندگی ابدی جاودانی را انسان با بی‌هنری، با بی‌خردی، با بی‌دقتی، با بی‌اعتنایی به قواعد دین، در معرض مخاطره قرار می‌دهد.

لذا باید انسان نهایت مراقبه را در این زمینه لحاظ کند و پیش خود مرور کند که خدای متعال در فراسوی زندگی این دنیای ما، چه چشم‌روشنی‌هایی برای اهل مراقبت و اهل تقوا و مؤمنین در نظر گرفته است و انسان همه‌ی اینها را از دست می‌دهد، به خاطر نگاه‌های هرزه و اشتباه. اینها قُرُقُ الهی است. خدای متعال اینجا را حریم مشخص کرده است.

در عرصه پوشش نیز این‌گونه است. به خاطر عدم رعایت پوشش، آسیب‌های وحشتناکی به زندگی آخرتی انسان وارد می‌شود که آنها نیز غیر قابل توصیف هستند.

۳. نگاه به حریم خصوص دیگران

نگاه دیگری که می‌توان آن را در فهرست نگاه‌های حرام قرار داد، نگاه به حریم خصوصی دیگران است. این از جمله گناہانی است که ابتلائش امروزه فراوان است. افراد، کیانی دارند که خانه، خلوت و اندرونی آنها محسوب می‌شود. حتی در درون خانه نیز ممکن است اعضای خانه، هر کدام برای خودشان یک حریم خصوصی داشته باشند؛ یعنی بخشی که یا نوعاً و طبق متعارف جامعه بخش حریم خصوصی افراد محسوب می‌شود یا قسمتی که خود شخص آن را برای خودش تعریف کرده و دیگران باخبر هستند که نباید به آنجا وارد شوند.

در محور بصری و نگاه، یادمان باشد که ورود به چنین عرصه‌ای با چشم قطعاً حرام است. نمونه‌ی روشن و مثال قدیمی‌اش این است که اگر در خانه‌ی کسی از اتفاق باز مانده باشد، هیچ‌کس حق ندارد به درون خانه نگاه بیندازد. درون خانه حریم خصوصی افراد است و در آنجا زن خانه و دخترها می‌توانند راحت باشند. حال چنانچه به هر علتی، در خانه باز باشد، نگاه به درون خانه حرام است؛ زیرا حریم خصوصی و زندگی شخصی مردم محسوب می‌شود. امروزه این مسئله توسعه پیدا کرده است و آنچه گفتیم، مثال قدیمی این مسئله بود. مثال دیگرش در اشراف خانه‌ها بر یکدیگر است. اگر کسی فراموش کرده باشد که پرده‌ی اتاقش را بکشد، هیچ‌کس حق

ندارد دزدانه به درون آن نگاه کند. این خیانت چشم است؛ گناهی که خداوند آن را می‌بیند: «يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ؛ [۶] خیانت چشم‌ها را می‌داند».

گاهی یک نفر بر اثر غفلت در خانه‌ش باز مانده، پرده‌ی اتاقش کنار رفته، جایی که کیفیتش را جا گذاشته، یا مثلاً فیلم، فلش یا سی‌دی را از زندگی خصوصی خودش از سر غفلت در دسترس دیگران قرار داده است. در این صورت ما وظیفه داریم که چشم خود را از آنها بیپوشانیم و به هیچ‌وجه به آنها نگاه نیندازیم.

یک نفر از سر غفلت اینها را در دسترس دیگران قرار داده؛ او غافل بوده است، ما که غافل نیستیم، چشم خود را بیپوشانیم. اصطلاح عرفی‌اش این است: در دیزی باز است، حیای گربه کجا است؟ غرض آنکه از سر ماجراجویی یا انگیزه‌های دیگر حق نداریم در حریم خصوصی دیگران جستجو کنیم. این حریم خصوصی شامل دفترچه‌ی خاطرات، آلبوم عکس، فیلم یا هر چیز دیگری می‌شود.

۴. نگاه ضرری

نگاه حرام دیگر، نگاه تجسّسی است که ذیل نهی «وَلَا تَجَسَّسُوا؛ [۷] و کنجکاوی نکنید» قرار می‌گیرد. «الْعَيْنُ جَاسُوسُ الْقَلْبِ؛ [۸] چشم جاسوس دل است». اصلاً کار اصلی چشم، جاسوسی برای قلب است. تجسّسی که نهی شده، تجسّس به منظور کشف

عیب و بردن آبروی دیگران است؛ آنجایی که انسان به قصد آبروریزی یا به قصد انواع و اقسام سوءاستفاده‌ها، تجسس می‌کند و بعد با تهدید به افشا، از طرف باج می‌گیرد. این مورد ذیل عنوان عیب‌جویی از مؤمنین می‌رود که جزء گناهان کبیره است. البته این مورد استثنای خودش را دارد. استثنایش هنگامی است که مصلحت عمومی مؤمنین و امنیت عمومی جامعه اقتضا می‌کند کسانی که مسئولیت‌های خاصی دارند، همراه با مجوزهای دقیق شرعی و قانونی وارد این بخش‌ها شوند و از کیان و امنیت عمومی جامعه حفاظت و صیانت کنند که البته شرایط خاص خودش را دارد.

این بخش را می‌توان تحت یک عنوان عمومی که فراخ‌تر و وسیع‌تر است قرار داد و آن عنوان، عبارت است از نگاه ضرری؛ یعنی هر نوع نگاهی که به آبرو، جان، مال و روحیه دیگران ضرر وارد می‌کند. این نگاه، نگاهی است که مشمول عنوان حرام می‌شود.

ترساندن مؤمن و یک انسان بی‌گناه، حرام مسلم است. بعضی وقت‌ها این، با نگاه اتفاق می‌افتد؛ یعنی بعضی‌ها طوری نگاه می‌کنند که طرف می‌ترسد به قول خودمان زهره‌ترک می‌شود.

مثال دیگر این مورد، چشم‌زخم است. در روایت داریم که: «الْعَيْنُ حَقٌّ» [۹] چشم زدن حقیقت دارد». در روایات داریم که بعضی‌ها نیروی پنهانی در چشم‌هایشان است که

خودشان می‌دانند و طوری نگاه می‌کنند که به دیگران آسیب وارد می‌شود. در اینجا اگر شخص عمداً و با ملاحظه‌ی اینکه می‌خواهد آسیبی وارد کند، نگاه کند و چشم‌زخمی وارد بکند، قطعاً مرتکب حرام شده است.

نکته پایانی در مورد موارد و مصادیق نگاه‌های حرام آنکه انسان مؤمن در چنین مواردی چشم‌پوشی دارد. البته آنچه گفتیم، به نگاه عمدی مربوط می‌شود و نگاه سهوی، حرام نیست. اگر انسان باایماناً نگاه سهوی کرد، نگاه خود را ادامه نمی‌دهد؛ زیرا می‌داند که: «ان النظرَةُ الْأُولَى لَكَ وَالثَّانِي عَلَيْكَ؛ [۱۰] نگاه نخست برای تو و [نگاه] دومی، به ضرر تو است». مؤمن به محض آنکه فهمید دارد وارد مرحله و حریم گناه می‌شود، مراقبت می‌کند و چشم‌هایش را فرومی‌پوشد.

نگاه‌های مکروه

۱. نگاه‌های اضافی

از اینجا به بعد، به منطقه‌ی نگاه‌های مکروه می‌رسیم که امام (عَلَيْهِ السَّلَام) تعبیرشان در این باره، «وَوَتَرَكَ ابْتِدَالَهُ» یعنی ترک هرزه‌گردی چشم بود. هرزه‌گردی چشم‌ها نگاه‌های اضافه‌ای است که حضرت فرمودند هر نگاهی که در آن عبرت نباشد، لهُو است. این یک قاعده‌ی عمومی و عنوان وسیعی است که ذیل عنوان لهُو و لغو قرار می‌گیرد که قرآن کریم درباره‌ی آن می‌فرماید: «وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ؛ [۱۱] و

آنها که از بیهودگی روی گردانند». مثالش در روابط با نامحرم است. در این مورد حتی اگر قواعد شرعی کاملاً رعایت شود، نباید از ضرورت و نیاز فراتر رفت. بخشی که دیگر نیازی نیست، در منطقه‌ی مکروه می‌رود. آنجایی که این نگاه‌ها امتداد پیدا می‌کند، منطقه‌ای است که نگاه مبتذل است و شخص را در معرض آسیب‌ها قرار می‌دهد. در نوع نگاه‌ها به ما پیشنهاد شده همانند پیامبر عزیزمان (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ)، نگاه کنیم. سیره‌ی حضرت این بوده است که: «أَكْثَرَ نَظَرَهُ إِلَى الْأَرْضِ؛ بیشتر نگاهش به زمین بود». حضرت دائماً این سو و آن سو را نگاه نمی‌کردند. نگاه به سمت راست و چپ و اطراف، نگاهی است که طبعاً ذیل عنوان نگاه مکروه قرار می‌گیرد و شخص را در معرض خطر قرار می‌دهد. در این نگاه‌ها، شیطان ما را صید می‌کند؛ چنان‌که امیرالمؤمنین فرموده‌اند: «الْعُيُونُ مُصَائِدُ الشَّيْطَانِ؛ [۱۲] چشم‌ها صیدگاه‌های شیطان هستند». شیطان از این طریق می‌تواند ما را صید کند و به ما آسیب بزند.

۲. نگاه حسرت

نگاه دومی که جزء نگاه‌های مبتذل و مکروه قرار می‌گیرد، نگاه حسرت است؛ یعنی نگاهی که پیوستش حسرت است. معمولاً نگاه به داشته‌ها و جلوه‌های زندگی مادی دیگران، حسرت انسان را به دنبال دارد؛ نگاهی که قرآن کریم صریحاً از آن نهی می‌کند: «وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ

وَرَزَقُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَأَبْقَى؛ [۱۳] هرگز چشم مدار به سوی آنچه از زینت‌های زندگانی دنیا به بعضی از مردم داده‌ایم. (به آنها داده‌ایم) تا ایشان را آزمایش کنیم و آنچه پروردگارت وعده داده، در آخرت بهتر و بادوامتر است». این آیه به صراحت می‌فرماید چشم‌هایت را به داشته‌های دیگران و به چیزهایی که ما به دیگران داده‌ایم، خیره نکن. به ماشین لوکس، خانه‌ی آن‌چنانی، لباس‌های گران‌قیمت و مواردی از این دست، چشم نیندوز و خیره خیره نگاه نکن. یادت باشد حتی اگر از راه حلال هم به آنها رسیده باشد، امتحان می‌شوند و در معرض امتحان‌های بزرگ قرار دارند.

«وَرَزَقُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَأَبْقَى»، رزقی که خدا به تو رسانده، هم بهتر و هم ماندگاتر است. اگر انسان دچار این نگاه‌ها شود، گرفتار حسرت می‌شود و حرص در او تقویت می‌گردد. از آنجا که انسان به همه‌ی آنچه دیگران دارند، دسترسی پیدا نمی‌کند، حسرت برایش تولید می‌شود و این نوع نگاه، یک‌جور آسیب روانی برای اشخاص در پی دارد. این نوع نگاه نیز جزء نگاه‌های مکروه است.

۳. نگاه غفلت‌زا

نگاه مکروه دیگر نگاه غفلت و نگاه‌هایی است که خالی از سود دنیایی و آخرتی است. تماشای فیلم و مسابقات ورزشی، هیچ سود مادی یا معنوی برای ندارد. آیا چون دیگران می‌بینند و به یک عرف اجتماعی تبدیل شده، ما هم باید آنها را نگاه کنیم؟ این

نگاه‌ها انسان را از یاد خدای متعال، معنای زندگی و جستجوی آرمان‌های بزرگ، دانش و فضیلت و اخلاق، غافل می‌کند.

۴. نگاه‌هایی که تولید قساوت می‌کند

چهارمین مورد از نگاه‌های مکروه، نگاه‌هایی است که قساوت می‌آورد. دیدن بعضی از صحنه‌ها، فیلم‌ها، عکس‌ها و عادی شدن تماشایش، در دل شخص تولید قساوت می‌کند. مثلاً در روایت داریم که تماشای اعدام، مکروه است. حتی نگاه کردن زیاد به سر بریدن حیوانات، تولید قساوت می‌کند و دل انسان را منجمد می‌سازد. اخیراً رفتارهای زشت گروه‌های تکفیری به صورت تصویر یا فیلم در سایت‌ها گذاشته می‌شود. برخی از سر ماجراجویی، به این سایت‌ها مراجعه و دائم این صحنه‌ها را تماشا می‌کنند. دیدن اینها آسیب‌های روانی دارد و در انسان قساوت قلب تولید می‌کند که می‌تواند آسیب‌های شخصیتی داشته باشد. این نگاه نیز قطعاً ذیل عناوین مکروه شمرده می‌شود.

جمع‌بندی مباحثمان این شد که امام سجّاد (عَلَيْهِ السَّلَام) فرمودند: «وَأَمَّا حَقُّ الْبَصْرِ، غَضُّهُ عَمَّا لَا يَحِلُّ لَكَ وَتَرْكُ ابْتِدَالِهِ»، حق چشم و دیدن شما که از سوی خدای متعال بر شما واجب شده، این است که اولاً، چشمانتان را از تماشای صحنه‌ی حرام حفاظت

کنید و ثانیاً، نگاه‌های اضافه و زائد و بی‌فایده را که بیهوده و لغو است، ترک کنید؛ زیرا می‌تواند مقدمات گناه را برای شما فراهم کند یا آثاری از قبیل غفلت و قساوت را در شما به وجود بیاورد.

امیدوارم خداوند متعال و مهربان و عزیز، خالق چشم‌ها و بینایی ما، به حق این روزها و ساعات پایانی ماه مبارک رمضان و به حق عید سعید فطری که در پیش داریم، به فریاد ما برسد و به حق امام زمانمان (عَجَّلَ اللهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيف) ما را از خیانت چشم‌ها حفاظت کند. از اینکه چشمی هم به ما خیانت کند، ما را حفاظت کند. ما را از نگاه‌های اضافه و زائدی که می‌تواند ما را در معرض آسیب‌ها قرار بدهد، حفظ کند؛ به لطفش و کرمش؛ ان‌شاءالله.

یک توصیه‌ی رضائی

در روزهای پایانی ماه مبارک رمضان، دعای چهل و پنجم صحیفه‌ی مبارکه‌ی سجّادیه خوانده شود. ضمناً از دعای وداع با ماه مبارک رمضان نیز غافل نشود.

نکته‌ی دوم اینکه با همه‌ی قلب و با همه‌ی وجود، خدای متعال را به حق اولیائش و به حق مقربان درگاهش قسم می‌دهیم که توفیق شرفیابی ماه مبارک رمضان دیگر را به

ما کرامت کند و تا ماه مبارک رمضان آینده ما را قدرشناس دستاوردهای این ماه مبارک قرار بدهد و حفظ این نتایج نوارنی را روزی ما قرار بدهد؛ ان شاءالله.

[۱]. نور: ۳۰.

[۲]. نور: ۳۱.

[۳]. نور: ۳۰.

[۴]. نور: ۳۱.

[۵]. از امام محمد باقر یا امام جعفر صادق (علیهما السلام) روایت شده است که فرمودند: «حیا و ایمان در یک ریسمان بسته و به یکدیگر پیوسته اند؛ پس هرگاه یکی از این دو برود، دیگری در پی آن می رود». امام جعفر صادق (علیه السلام) نیز فرمودند: «ایمان ندارد کسی که حیا ندارد». محمدعلی اردکانی، تحفة الأولیاء (ترجمه اصول کافی)، ج ۳، ص ۲۸۵.

[۶]. غافر: ۱۹.

[۷]. حجرات: ۱۲.

[۸]. مصباح الشریعه، ص ۹.

[۹]. فضل بن حسن طبرسی، مکارم الاخلاق، ص ۳۸۶.

[۱۰]. عروسی حویزی، تفسیر نور الثقلین، ج ۴، ص ۵۱۷.

[۱۱]. مؤمنون: ۳.

[۱۲]. غرر الحکم و درر الکلم، ص ۵۲.

[۱۳]. طه: ۱۳۱.